

## درآمدی بر چارچوب فرایندی دیده‌بانی فرهنگی؛ الگویی برای جمهوری اسلامی ایران\*

جابر مقدم‌پور<sup>۱</sup>  
حاکم قاسمی<sup>۲</sup>  
فرهاد درویشی سه‌تانی<sup>۳</sup>  
محمد رحیم عیوضی<sup>۴</sup>  
عین‌الله کشاورز ترک<sup>۵</sup>  
حسن علی اکبری رنانی<sup>۶</sup>

### چکیده

در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محصول انقلاب اسلامی و ارمغان آور نسخه نوین فرهنگ اسلامی ایران لازم است عوامل پیش‌برنده و بازدارنده تأثیرگذار بر فرهنگ، دیده‌بانی شوند تا تصحیحات و تغییرات و سیاستگذاری‌ها به موقع و در هنگام مقتضی صورت گیرد؛ در این راستا یکی از مفاهیمی که در گفتمان مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب پدیدار گشته، رصد فرهنگی است. این مفهوم با چالش‌هایی همراه بوده است؛ اساسی‌ترین چالش، دوری آن از مفاهیم آینده‌پژوهی و محدود شدن به «پایش وضع موجود فرهنگ» و از طرفی ضعف در روشمندی آن است؛ در حالی که مفهوم رصد بن‌مایه آینده‌پژوهی دارد و نیازمند فرایند مدون برای انجام است؛ لذا سؤال اصلی تحقیق بدین‌گونه مطرح شده است که چارچوب فرایندی دیده‌بانی فرهنگی، مناسب برای انجام فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در پژوهش حاضر با کاربردی مفاهیم آینده‌پژوهی تعریفی جدید از دیده‌بانی فرهنگی ارائه و با نگرشی فرایندی، گام‌ها و فرایندهای دیده‌بانی فرهنگی با رویکرد کیفی از طریق کاوش ادبیات و متن کاوی (تلخیص، عرضه و نتیجه‌گیری) احصاء و چارچوب فرایندی برای دیده‌بانی فرهنگی ارائه شده است. بکارگیری چارچوب مذکور - شامل ۷ گام و ۲۴ فرایند- توسط سازمان‌های فرهنگی ذی‌ربط، پشتیبان فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی در راستای سیاستگذاری و آینده‌نگاری فرهنگی خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** دیده‌بانی فرهنگی، افق‌پویی، فرهنگ اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع طراحی مدل فرایندی دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

- ۱- دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) (نویسنده مسئول)  
Email: j.moghaddampour@edu.ikiu.ac.ir  
۲- دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)  
Email: ghasemi20@yahoo.com  
۳- دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)  
Email: farhaddarvishi222@yahoo.com  
۴- استاد دانشگاه شاهد  
Email: ra.eivazi@yahoo.com  
۵- استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)  
Email: a.keshavarz@gmail.com  
۶- استادیار دانشگاه امام حسین(ع)  
Email: aliakbary1341@gmail.com

## مقدمه

امروزه آینده‌نگری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در معرض سیاست‌های نفع طلبانه، رقابت انگیز و سلطه جویانه استعماری و نواستعماری قرار گرفته و کشورهای بزرگ می‌کوشند به هر وسیله و در هر لباسی، از زمینه‌های فرهنگی استفاده نمایند. اعمال و اجرای این برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی منجر به کنش‌ها و دخالت‌ها و پیامدهای پیچیده، زیانبخش و غالباً غم‌انگیز می‌شود. با توجه به گسترش و دگرگونی‌ای که فرهنگ هر جامعه در زمان و مکان داشته و دارد، لازم است که در جهان امروز در عرصه مدیریت فرهنگی، به‌طور آگاهانه، نقشی فعال و مؤثر ایفا کرد (روح‌الامینی، ۱۳۸۲). از همین جهت است که مفاهیمی همچون رصد فرهنگی در گفتمان مدیریت فرهنگی کشور بروز پیدا کرده است که آن را مقدمه‌ای برای مهندسی فرهنگی نیز معرفی کرده‌اند (کی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۶)؛ اگرچه از دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در اثر کارگشایی‌های فرهنگ انقلاب توانسته‌ایم امواج و انوار جدیدی از خزائن فرهنگی را متأثر از مبانی انقلاب اسلامی ایجاد کنیم؛ اما این مهم در کمتر دوره‌ای با آرامش مطلوب فرهنگی و فروغ دلخواه در این پهنه و عرصه همراه و یار شده است (مقتدایی، ۱۳۸۷: ۶)؛ چراکه برنامه‌ریزی برای آینده فرهنگ بر پایه نیازهای فعلی و یا کمبودهای فرهنگی فعلی سرمایه مناسبی جهت حضور موفق در جامعه فرهنگی آینده نیست و برای ایفای نقش مؤثر در شکل بخشیدن به فرهنگ آینده ضرورت دارد با اتکا به روش‌های آینده‌پژوهی، به شکل جدی تغییرات و تحولات فرهنگی آینده شناسایی کنیم تا بتوان هر چه بیشتر جامعه را به سوی الگوی مناسب فکری و فرهنگی رهنمون ساخت (کشاورز ترک، ۱۳۹۴: ۷). می‌توان گفت هرچه زودتر و شفاف‌تر رویدادهای آینده را ببینیم بهتر قادر خواهیم بود که از طریق تغییر نسخه‌های فعلی، به سوی موفقیت گام برداریم و تصمیمات بهتری اتخاذ کنیم (گوردون، ۲۰۰۸: ۶).

در چند دهه اخیر، به واسطه تغییر و تحولات اساسی و فراگیر در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، نقش ممتاز و تعیین‌کننده فرهنگ در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی نمایان‌تر شده است. انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان نقطه عطف تحولات معنوی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرن بیستم از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالفعل و بالقوه عظیمی در این حوزه برخوردار است و پیشرفت و تعالی همه جانبه کشور، مستلزم بهره‌گیری مؤثر و هوشمندانه از آن در سطح ملی و مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و جهانی است. در حقیقت، فرهنگ به معنای اخص آن، از مختصات ذاتی، مزیت‌های راهبردی، انحصاری و سرنوشت‌ساز کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که همواره مورد تأکید معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بوده است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲: ۹).

فرهنگ، از مزیت‌های راهبردی، انحصاری و سرنوشت‌ساز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که مراقبت از آن به واسطه تهاجم فرهنگی و نیز رویدادهای تأثیرگذار بر فرهنگ ضروری می‌نماید؛ زیرا همان‌گونه

که بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) فرموده‌اند: اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود... دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه پیدا می‌کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف می‌کشاند (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۲۲). جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک نظام سیاسی مبتنی بر آرمان‌های الهی-مردمی و با هدف صیانت از دستاوردهای انقلاب در قلمروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با چالش‌های داخلی و خارجی مواجه بوده و خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محصول انقلاب اسلامی و ارائه دهنده الگویی جدید از شکل حکومت و اداره امور جامعه و ارمغان‌آور نسخه نوین فرهنگ ایرانی اسلامی<sup>۱</sup> لازم است عوامل پیش‌برنده و بازدارنده تأثیرگذار بر فرهنگ، دیده‌بانی شوند تا تصحیحات و تغییرات و سیاست‌گذاری‌ها به موقع و در هنگام مقتضی صورت گیرد.

ناظر شدن به این مهم نیازمند تدبیر و اقدام بهنگام در خصوص مسائل فرهنگی توسط متولیان امر است؛ در این راستا یکی از مفاهیمی که در گفتمان مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پدیدار گشته رصد فرهنگی است. این مفهوم با چالش‌هایی در عرصه نظر و عمل همراه بوده است؛ اساسی‌ترین چالش، بُعد و دوری آن از مفاهیم آینده‌پژوهی و ضعف روش‌شناسی در فرآیند انجام آن و محدود شدن به «انجام پایش وضع موجود فرهنگ» در فعالیت‌های موسوم به «رصد فرهنگی» در کشور است؛ در حالی که مفهوم دیده‌بانی ماهیتاً بن‌مایه آینده‌پژوهی دارد و نیازمند طراحی فرآیندی مناسب برای انجام آن می‌باشد. لذا، احصاء فرآیندی برای انجام دیده‌بانی فرهنگی با کاربرست مفاهیم آینده‌پژوهی ضروری می‌نماید تا به اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی نهادهای متولی امر فرهنگ کمک نماید. از این‌روی در راستای کنترل آینده فرهنگ و آمادگی در برابر مخاطرات و فرصت‌ها در عرصه فرهنگ، از موارد حائز اهمیت، بایسته و ضروری، «دیده‌بانی فرهنگی» در قالب فرآیندی روشمند به‌منظور شناسایی و تحلیل موضوعات فرهنگی آینده و پایش شاخص‌های فرهنگی می‌باشد.

زمینه طرح مسأله از اینجا بروز می‌یابد که علی‌رغم وجود دستگاه‌های متولی امر فرهنگ در کشور و هم‌چنین رو به توسعه بودن تأسیس مراکز و نهادهای دیده‌بانی فرهنگی با هدف دیده‌بانی و مراقبت از فرهنگ ایرانی اسلامی، نگاه آینده‌پژوهانه در فعالیت‌های رصد فرهنگی کمرنگ بوده و فقدان مدلی برای انجام دیده‌بانی فرهنگی که فرآیند دیده‌بانی فرهنگی را برای دستگاه‌های متولی امر فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران تبیین کند، احساس می‌شود. که این موضوع، غفلت یا اقدام‌های پس از وقوع و منفعلانه در خصوص عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده فرهنگی را به همراه دارد که ناشی از عدم دیده‌بانی و شناسایی به موقع آن عوامل است. با این اوصاف، سؤال اصلی تحقیق بدین‌گونه مطرح می‌شود که چارچوب فرآیندی

۱. انقلاب اسلامی در ایران موجب شد که مقوله فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ مذهبی که تا پیش از آن، در نظریه‌پردازی‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، به‌طور فعال در عرصه نظریه‌پردازی حوزه انقلاب وارد شود (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

مناسب برای انجام فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی توسط دستگاه‌های متولی امر فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

هدف اصلی تحقیق حاضر دستیابی به مدل فرآیندی دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد تا به کارآمدی و اثربخشی فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای متولی امر فرهنگ در کشور و شناسایی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده تأثیرگذار بر فرهنگ و بسترسازی برای اتخاذ اقدامات پیش‌دستانه کمک نماید؛ از ورودی‌های کلیدی فعالیت‌های آینده‌نگاری فرهنگی، دستاوردهای حاصل از دیده‌بانی فرهنگی است. با توجه به مسأله تحقیق یکی از اقدامات برای حصول این مهم، می‌تواند طراحی مدلی باشد که چارچوبی فرآیندی برای دیده‌بانی فرهنگی مهیا سازد. بنابراین ایجاد بستری برای انجام دیده‌بانی فرهنگی توسط نهادهای متولی امر فرهنگ در کشور و همچنین تدارک مقدمات برای طراحی نظام دیده‌بانی فرهنگی کشور و نگاشت نهادی آن (استقرار نظام دیده‌بانی) و کمک به آینده‌نگاری فرهنگی از اهداف پژوهش حاضر می‌باشد.

### پیشینه رصد فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

اساساً مهم‌ترین آرمان‌ها و منویات انقلاب اسلامی، احیاء و تقویت عناصر فرهنگی اسلامی بوده است. تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی و مهم‌تر از همه ستاد و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی بازنمای این امر است. آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، در بیانات خود تا سال ۱۳۷۵ بیشتر بر موضوعات و مضامین فرهنگی لازم‌الاجرا در دانشگاه‌ها و جامعه توسط دستگاه‌های فرهنگی به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید داشته است. ایشان در این سال‌ها بر موضوعات متعدد به‌عنوان وظیفه و فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید می‌کرد. از سال ۱۳۷۵ به بعد سخنان ایشان ضمن اشارت به موضوعات متعدد فرهنگی فوق، به‌طور مؤکد و مکرر بر مقولات «مدیریت»، «رصد» و «مهندسی فرهنگی» متمرکز است. مفهوم رصد فرهنگی به‌عنوان ابزار مدیریت و مهندسی فرهنگی نیز از این سلسله گفتارها (از سال ۱۳۷۵ به بعد) در ادبیات فرهنگی وارد شد و به‌عنوان یک مقوله و مفهوم، در تحقیقات و گفتارهای مسئولان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌کار برده شده است. اساساً پیدایش این مفهوم در ایران با تحولات جهانی در حوزه فرهنگ موازنه دارد؛ از جمله، رسانه‌ای شدن فرهنگ؛ امروزه گفته می‌شود که ورود رسانه‌ها و تکنولوژی مدرن به عرصه فرهنگ، نوعی «ایدز فرهنگی» را آفریده است. به این معنا که فرهنگ‌ها به واسطه رسانه‌های مدرن، سیستم ایمنی و مقاومت خود را در برابر عناصر فرهنگ مهاجم از دست داده‌اند، از این رو به سوی زوال عناصر خود گراییده‌اند. عامل دوم، امپریالیسم فرهنگی است که با نام‌های جهانی شدن و عام‌گرایی، وجاهت علمی و منطقی به خود گرفته است. این عامل ناظر به چالش‌های تمدن غرب و غیر غرب است. در ایران یکی از بارزترین جبهه‌گیری‌ها در برابر امپریالیسم فرهنگی، در کلام و نوشته‌های حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و بعد از ایشان آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیده می‌شود. در واقع همین گفتمان بوده است که

مبنای طرح مفاهیم و رویکردهای «استقلال فرهنگی»، «هویت اسلامی»، «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی»، «مردم سالاری دینی» و... بوده است. تعبیر رصد و مهندسی فرهنگی، در ادامه و پیوند با همین گفتمان مطرح شده‌اند و موضوعات «رصد فرهنگی» و «مهندسی فرهنگی» در گفتارها و نوشتارها، خاصه در نهادهای فرهنگی مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند. با وجود اهتمام مسئولان به این مقولات، سرعت حضور این مفاهیم در ادبیات دانشگاهی و درسی کند بوده و بیشتر در سطح گفتارها و پژوهش‌های سازمانی به‌ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی باقی مانده است؛ راجع به موضوع رصد فرهنگی، مطالعه و اثر فاخری صورت نگرفته است. حتی در گفتارها نیز این مفهوم، به خوبی تشریح نشده است و ادبیات حول آن ضعیف و کم حجم است. در نهادهای فرهنگی کشور فعالیت‌هایی در مورد رصد فرهنگی صورت گرفته است، که اساساً فعالیت‌های تشکیلاتی و سازمانی بوده‌اند. برای مثال مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف فعالیت در این زمینه تشکیل شده است. اما با وجود این اقدام، هنوز از نظر ادبیات نوشتاری و گفتاری در این زمینه با کاستی مواجه‌ایم. در سال ۱۳۸۱، گزارشی مختصر با عنوان «تعریف و ابعاد رصد فرهنگی» در اداره کل روابط عمومی و افکارسنجی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفت که اولین گزارش علمی مکتوب در مورد رصد فرهنگی است. در سال ۱۳۸۳ گزارشی ثانوی و مکمل با نام «درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور» در دفتر مطالعات فرهنگی دبیرخانه تدوین شد که حاوی مصاحبه‌ها و نظرهای برخی از محققان و مسئولان در حوزه‌های فرهنگی است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۷). در سال ۱۳۹۰ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به انتشار کتابی تحت عنوان «تطور مفهومی رصد فرهنگی که حاصل تلاش اساتید و کارشناسان مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد، نمود که منبعی پشتیبان برای تعریف مفهوم رصد فرهنگی است و حاوی مضامین خاستگاه و پیشینه مفهوم رصد، فضای شکل‌گیری و شأن ترکیب رصد فرهنگی، بررسی و نقد تعاریف ارائه شده از این مفهوم، بررسی جایگاه و نفوذ این مفهوم در ادبیات و فضای علمی و فرهنگی کشور، تشریح ابعاد و بیان مؤلفه‌های کلان این مفهوم می‌باشد. مطالعات رصدی گوناگون و متعددی نیز در حوزه‌های مختلف فرهنگی صورت گرفته از جمله گزارش‌های مربوط به «رصد فرهنگی ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و جریان‌ها» طی سال‌های گذشته توسط دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته است.

لازم به ذکر است شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور تدوین و در جلسه ۵۷۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب گردیده است. در شیوه‌نامه مذکور اشاره شده است که در فرآیند خطیر سیاستگذاری کلان فرهنگی کشور، شناسایی و تحلیل جریان‌ها و مسائل عمده فرهنگی به‌عنوان یکی از مقدمات تعیین‌کننده در آینده‌نگری فرهنگی، نقش مهم و اساسی دارد و نتایج حاصل از فرآیند سیاست‌پژوهی و آینده‌پژوهی، محور و مبنای وضع سیاست‌های اصولی و هدفمند فرهنگی تلقی می‌شود. در شیوه‌نامه، هدف رصد فرهنگی، آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی

جامعه و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح و هدفمند با آنها بیان شده و همچنین وظایف رصد مشتمل بر موارد ذیل دانسته شده است:

- شناسایی جریان‌های فرهنگی موجود از ابعاد گوناگون نظیر مبدأ و منشأ جریان‌ها، زمینه و بسترهای رشد، روند و میزان گسترش، میزان تأثیرگذاری و گروه هدف و مخاطبین جریان‌ها.
- ارزیابی و تحلیل مسائل فرهنگی جامعه در سطوح فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌های کودکان، نوجوانان، جوانان، دانشگاهیان، زنان و نظایر آن از زوایای مختلف.
- تحلیل روند و تغییر و تحولات متغیرها و حوزه‌های مهم و استراتژیک عرصه فرهنگ و پیش‌بینی وضعیت آینده.
- بررسی جامع تأثیر و تأثر حوزه فرهنگ با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر اقتصاد، سیاست و اجتماع و سلامت در ابعاد داخلی و بین‌المللی.
- پیشنهاد سیاست‌های مناسب در قبال جریان‌ها و مسائل فرهنگی نوظهور به شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- پیشنهاد ابزارها و راهکارهای فرهنگی مناسب برای اعمال این سیاست‌ها به دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط پس از تصویب در مراجع ذی‌ربط.
- پی‌آمدسنجی سیاست‌ها و راهبردهای پیشنهادی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- گستره فعالیت رصد فرهنگی، کلیه حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع و نظایر آن را که تأثیرات مهمی در تغییر و تحولات فرهنگی دارند، شامل می‌شود.
- به‌طور کلی می‌توان گفت فعالیت‌ها و محتوای پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص رصد فرهنگی، وزن بیشتری برای پیش لحاظ کرده‌اند و ناظر به وضع موجود صورت گرفته‌اند و نگاه آینده‌پژوهانه و کاربست مفاهیم آینده‌پژوهی در آنها چندان مدنظر قرار نگرفته است و علی‌رغم اینکه در شیوه‌نامه رصد فرهنگی به مفاهیم آینده‌پژوهی و آینده‌نگری اشاره شده است. اما آنچه که در گفتمان رصد فرهنگی کشور در عرصه نظر و عمل رخ می‌نماید فقدان فرآیند مدون و کم‌توجهی به مفاهیم دیده‌بانی در آینده‌پژوهی است. در تعاریفی که توسط صاحب‌نظران در خصوص رصد فرهنگی صورت گرفته است نیز تا حدی ابهام وجود دارد. رصد فرهنگی گاهی ناظر به وضع موجود فرهنگی جامعه تعریف شده است و گاهی هم ناظر به وضع موجود و هم ناظر به آینده. همچنین در تعاریف صورت گرفته رصد گاهی حامل معنای پایش و مانیتورینگ در نظر گرفته شده و گاهی حاوی معنای آینده‌شناسی فرهنگی و مطالعه پدیده‌های فرهنگی در حال ظهور یا تغییر و در تعریفی دیگر به معنای نظارت و کنترل قلمداد شده است.
- قبل از ارائه تعریف دیده‌بانی فرهنگی و بررسی مفهومی آن، مروری مختصر بر مفاهیم آینده‌پژوهی ضروری جلوه می‌نماید؛ لذا در ادامه برخی مفاهیم کلیدی به‌منظور کاربست آنها در تعریف دیده‌بانی فرهنگی ارائه می‌گردد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به منظور ارائه چارچوب فرایندی دیده‌بانی فرهنگی، نگرش فرایندی را اتخاذ کرده است؛ با توجه به عدم وجود مدل قبلی، گام‌ها و فرایندها در چارچوب فرایندی ارائه شده، با رویکردی اکتشافی از طریق کاوش ادبیات مرتبط با حوزه آینده‌پژوهی، دیده‌بانی، فرهنگ و نهایتاً متن‌کاوی دستی<sup>۱</sup> حاصل شده‌اند.

لازم به ذکر است واژه فرآیند در طراحی یک کل به منظور اشاره به دو مفهوم متمایز ولی مرتبط به یکدیگر کاربرد دارد: مجموعه فعالیت‌هایی که برای حل مسأله انجام شده یا باید انجام شود و مفهوم‌سازی انتزاعی و نسبتاً کلی از آنچه انجام شده یا باید انجام شود (اکرت و استیسی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۴)؛ شناسایی و استفاده از مجموعه‌ای از گام‌ها و فرایندها، همراه با شناسایی و تعیین تعاملات و توالی آنها را می‌توان به‌عنوان «نگرش فرایندی» در راستای طراحی مدل فرایندی مطرح کرد. مدل‌های فرایندی به دلایل مختلفی از جمله فهم فرایند، برنامه‌ریزی فرایند، توصیه رویه‌ای که باید پی‌گرفته شود و یا پیش‌بینی فرایند به‌کار گرفته می‌شوند. فرایندها به دو بخش عمده توصیفی و تجویزی تقسیم می‌شوند. مدل‌های فرایندی توصیفی به بیان و تحلیل علمی آنچه که رخ می‌دهد می‌پردازند و مدل‌های فرایندی تجویزی به بیان آنچه باید انجام شود همراه با تقدم و تأخر اقدامات اشاره می‌کند. در تحقیق حاضر چارچوب فرایندی تجویزی را مد نظر قرار دارد. تفاوت مدل‌های فرایندی با مدل‌های مفهومی این است که واحد تشکیل‌دهنده مدل‌های مفهومی، متغیرها هستند. در حالی که واحد تشکیل‌دهنده مدل‌های فرایندی، گام‌ها، اقدامات یا مراحل هستند. هم‌چنین مدل‌های مفهومی بیشتر به توصیف، تبیین و پیش‌بینی متغیرها می‌پردازند اما مدل‌های فرایندی برای رسیدن به هدفی مشخص، مجموعه گام‌هایی را تجویز می‌کنند (لشکر بلوکی، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

## چارچوب نظری

به منظور ارائه چارچوب فرایندی دیده‌بانی فرهنگی، لازم است ابتدا دیده‌بانی فرهنگی تعریف و عناصر آن تبیین شود؛ بدین جهت مفهوم فرهنگ ارائه و مهم‌ترین مفاهیم دیده‌بانی در حوزه آینده‌پژوهی تبیین شده است. سپس دیده‌بانی فرهنگی با کاربردهای مفهومی آینده‌پژوهی تعریف و اجزای آن (۹ جزء) تشریح گردیده است. لازم به ذکر است از آنجا که تأکید پژوهش حاضر بر فرایند و چگونگی انجام دیده‌بانی است و نه چیستی و محتوای آنچه باید در عرصه فرهنگ دیده‌بانی شود، لذا مؤلفه‌ها و عناصر فرایندی دیده‌بانی فرهنگی در چارچوب نظری مورد توجه قرار گرفته است.

1. Manual Text-Mining  
2. Eckert and Stacey

### مفهوم فرهنگ

به‌طور کلی می‌توان گفت هنگامی که از فرهنگ سخن گفته می‌شود، دو معنای عام و خاص فرهنگ مورد نظر است. غالب تعاریف از فرهنگ، بر بعد عام تأکید دارند. در معنای محدود و خاص سخن بر سر شاخص‌هایی است که در تجربه مورد سنجش قرار می‌گیرند. در معنای کلی و عام، فرهنگ به معنای بینش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی تعریف شده و از آن به منزله فرآورده عالی ذهن و فرآیند پیچیده و پیشرفته فکر آدمی یاد شده و کلیتی به هم پیوسته از باورها، فضایل، ارزش‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه است. این تعریف از فرهنگ معطوف به ساخت و تحول کیفیت زندگی جامعه است. در آثار اندیشمندان و نهادهای فرهنگی در ایران، چنین تعریفی از فرهنگ بیشتر دیده می‌شود. اگر به بیانات متعدد امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری نیز مراجعه شود، دیده می‌شود که در تعریف ایشان نیز، معنای عام و کلان فرهنگ، برجسته و نمایان است. از منظر ایشان فرهنگ، هادی، جهت‌دهنده و هویت‌دهنده به انسان و رفتارهای مختلف او در مسیر زندگی است. تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز، مؤکد بر همین درک عام از فرهنگ است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۰).

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان متولی اصلی سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به فرهنگ، در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران را نظام‌واره‌ای از «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار» و «نمادها و مصنوعات» شکل دانسته است که این عناصر در سطوح مختلف فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران (ملی، عمومی، حرفه‌ای) قابل تعریف می‌باشند. در واقع فرهنگ، کلیتی واحد و متعامل از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب، الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات در سطوح فراملی، ملی، عمومی و حرفه‌ای است و به‌مثابه روح جامعه به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا و هویت می‌بخشد و شکل‌دهنده و اثرگذار بر ذهنیت و گرایش‌های افراد و جامعه و تعیین‌کننده رفتار عمومی است؛ فرهنگ جهت‌بخش جامعه و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و به‌صورت تدریجی و مستمر، تحول‌پذیر، جهت‌دهنده، مدیریت‌پذیر، اکتسابی و انتقال‌پذیر است. فرهنگ اسلامی - ایرانی حاصل تعامل فعال و سازنده اسلام با تمدن تاریخی ایران است و هویت اسلامی - ایرانی درهم تنیده، یکپارچه و تفکیک‌ناپذیر است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲).

### مفاهیم کلیدی آینده‌پژوهی در حوزه دیده‌بانی

از دیدگاه بل<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) آینده‌پژوهی دانشی است که در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه آینده‌های مرجح را انتخاب و برای شکل بخشیدن به مطلوب‌ترین آینده کمک کند. آینده‌پژوهان همواره به دنبال تشخیص حتی ضعیف‌ترین نشانه‌های تغییر هستند. این نشانه‌ها بیانگر این هستند که چه تحول‌ها و روندهای جدیدی در پیش است و احتمالاً آینده

1. Bell



آبستن چه رویدادهایی خواهد بود. تلاش‌هایی که متضمن کشف تغییرها و تحولات باشد، به دیده‌بانی<sup>۱</sup> موسوم است (ملکی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۴۴). مؤلفه‌های اصلی دیده‌بانی شامل پویش (افق یا محیط) و پایش می‌باشد.

افق‌پویی<sup>۲</sup>، چشم داشت نظام‌مند به‌منظور شناسایی نشانه‌های تحولات مهم بالقوه می‌باشد. این نشانه‌ها می‌تواند، علائم ضعیف، روندها، شگفتی‌سازها یا دیگر تحولات، مسائل جاری، ریسک‌ها و تهدیدها و مشتمل بر موضوعاتی در مرز اندیشه‌های فعلی که فرضیه‌های گذشته را به چالش می‌کشند، باشد (کیولز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ۷). افق‌پویی، بررسی نظام‌مند تحولات محتمل آینده و فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه که به مرز اندیشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های فعلی محدود نیست، می‌باشد و موضوعات جدید و غیرمنتظره هم‌چنین موضوعات و روندهای پایا و با ثبات را کاوش می‌کند (مایلز و ساریتاس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲: ۵۳۰).

پویش محیط<sup>۵</sup> عبارت است از گردآوری نظام‌مند اطلاعات محیط به‌منظور کاهش تصادفی بودن اطلاعات ورودی به سیستم و فراهم آوردن هشدارهای اولیه برای افرادی که تغییرات اوضاع محیطی را مدیریت می‌کنند (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۱۲). پویش محیطی، شناسایی و بررسی نظام‌مند موضوعات مرتبط به زمینه مورد علاقه یا نگرانی<sup>۶</sup> می‌باشد که لزوماً مسائل در حال ظهور (نوآیند) یا غیرمنتظره نیستند (مایلز و ساریتاس، ۲۰۱۲: ۵۳۱).

پایش<sup>۷</sup>، بخشی از فرآیند هشدار استراتژیک است. پایش موضوع‌ها، اجازه خواهد داد تا بتوانیم مسائل مخاطره‌آمیز را شناسایی کنیم. پاییدن (نظارت)<sup>۸</sup> مسائل از طریق مدل‌ها و شاخص‌های مناسب انجام می‌شود. هم پایش و هم پاییدن منجر به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز - که بر اساس مدل‌ها و شاخص‌های مرتبط تعریف می‌شود - خواهد شد؛ پایش یک موضوع و نظارت و پاییدن یک مسأله، ممکن است، با انتخاب از میان علائم موضوعات جدید و در حال ظهور آغاز شود (لاویکس، ۲۰۱۲).

پویش مبتنی بر مدل‌های ضمنی<sup>۹</sup> و پایش مبتنی بر مدل‌های صریح<sup>۱۰</sup> و شاخص‌ها صورت می‌گیرد. پویش بر شناسایی علائم اولیه تحولات بالقوه اعم از نشانک‌های ضعیف، روندها، پیشران‌ها، ناپیوستگی‌ها، شگفتی‌سازها، موضوعات نوآیند و سایر تحولاتی که در مرز برنامه‌ریزی‌ها و اندیشه فعلی است - و البته غیر محدود به آن - مرکز دارد. پایش مبتنی بر نشانک‌های ثانویه و شاخص‌های سناریوها و هم‌چنین

1. Observation / Observatory
2. Horizon Scanning
3. Cuhls
4. Miles and Saritas
5. Environmental Scanning
6. The topic of concern
7. Monitoring
8. Surveillance
9. Implicit
10. Explicit

شاخص‌های مؤلفه‌های فرهنگ صورت می‌گیرد. پوییش به سیاست‌ها و اقدامات پیش‌دستانه در قبال موضوعات نوآیند و پایش به مسأله‌شناسی و سیاستگذاری برای حل مسأله رهنمون می‌کند (مقدم‌پور و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۸).

### تعریف دیده‌بانی فرهنگی

اگر نقطه ثقل رصد، بررسی وضع موجود و مسأله‌شناسی فرهنگی و شناسایی و پایش جریان‌ها و یا پیش‌بینی الگوها و روندها باشد، تا حدی رویکرد آینده‌پژوهانه کمرنگ جلوه می‌نماید. زیرا اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها در قبال مسائل فرهنگی پس از وقوع آنها، اگرچه لازم است ولی تا حدی انفعالی می‌باشد. رصد فرهنگی نیازمند اتخاذ رویکردهای آینده‌پژوهانه (با بهره‌گیری از مفاهیم آینده‌پژوهی<sup>۱</sup>) و پوییش پیش‌دستانه موضوعات نوآیند فرهنگی می‌باشد تا پیش از تأثیرگذاری بر فرهنگ (ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و...) در سطوح مختلف آن، هشدار به موقع، ارائه سیاست‌ها و اقدامات در جهت بهره‌برداری یا کاهش اثرات سوء احتمالی پیش از بروز مسائل فرهنگی وضع و اتخاذ گردد. اگرچه در دیده‌بانی فرهنگی، پایش وضع موجود نیز حائز اهمیت است. در واقع عناصر پایدار و آرمانی فرهنگ - و یا موضوعاتی که فرآیند پوییش به‌دست می‌دهد - بایستی با تدوین شاخص‌های مناسب دائماً پایش شوند تا حتی پس از وقوع مسائل فرهنگی که در فرآیند پوییش از آنها غفلت شده است، هشدارهای لازم ارائه گردد. به هر حال می‌توان گفت مفهوم رصد حامل دو معنای پایش و پوییش می‌باشد ولی در ادبیات اکثر پژوهش‌های موجود با موضوع فرهنگ، مفهوم آن به معنی «پایش» تقلیل یافته است و پژوهش‌هایی که حول موضوع رصد فرهنگی انجام شده‌اند در تعریف یا کاربرد واژه رصد، نگاهی آینده‌پژوهانه اتخاذ نکرده‌اند. علی‌رغم تعریف و هدفی که برای رصد فرهنگی در شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور بیان شده است، در عرصه عمل، به لحاظ روش‌شناسی، به نظر فاقد فرآیند مدونی برای انجام - که در آن از مفاهیم آینده‌پژوهی استفاده گردد - می‌باشد. با توجه به مباحثی که بدان اشاره شد و هم‌چنین با توجه به مباحث موجود در گفتمان رصد فرهنگی کشور نیاز به توجه توأمان به مفاهیم پوییش و پایش وجود دارد. به‌منظور حصول نگاهی جامع که هم دربردارنده پوییش (افق، محیط) و هم دربردارنده پایش است، عبارت دیده‌بانی مد نظر قرار گرفته و از ترکیب «دیده‌بانی فرهنگی» استفاده شده است و بر مفهوم افق‌پویی به‌عنوان هویت دیده‌بانی تأکید و سایر عناصر لازم برای فرآیند دیده‌بانی فرهنگی - از جمله عناصر مربوط به پایش - نیز مد نظر قرار گرفته است؛ در ترکیب دیده‌بانی فرهنگی واژه دیده‌بانی معطوف به «فرآیند و چگونگی انجام آن» است و واژه فرهنگی دلالت بر «حوزه دیده‌بانی» دارد و معطوف به «مؤلفه‌های دیده‌بانی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی» می‌باشد. با توجه به آنچه گذشت، دیده‌بانی فرهنگی به شرح ذیل تعریف می‌گردد:

۱. به‌طور مثال عصری هم‌چون نشانه‌های ضعیف که قلب تپنده دیده‌بانی و بن‌مایه تحلیل موضوعات نوآیند و سایر عناصر دیده‌بانی از جمله پیش‌ران‌ها، شگفتی‌سازها و... هستند، در ادبیات رصد فرهنگی مورد غفلت قرار گرفته است.

«پویش و ارزیابی نظام‌مند نشانه‌های مهم تحولات بالقوه فرهنگی در محیط‌های مختلف و توصیف موضوعات نوآیند فرهنگی و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی محتمل؛ پایش «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار» و «نمادها و مصنوعات» و مسأله‌شناسی فرهنگی در سطح فرهنگ ملی، عمومی و حرفه‌ای مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی؛ همچنین پایش شاخص‌های راهنمای سناریوهای فرهنگی و نشانک‌های ثانویه جهت شناسایی به هنگام موضوعات نوآیند فرهنگی (بازدارنده یا پیش‌برنده)؛ که در افق زمانی تحت مطالعه سیاستگذاری فرهنگی و آینده‌نگاری فرهنگی را پشتیبانی می‌نماید (مقدم‌پور و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۸)».

توضیح اجزای تعریف فوق (شکل ۱) به منظور درک بهتری از دیده‌بانی فرهنگی ضرورت دارد؛ مفاهیم ارائه شده در توضیحات ذیل، مبنایی برای احصاء و تشریح فرایندهای دیده‌بانی فرهنگی - مبحث بخش بعدی - خواهد بود:



شکل ۱: عناصر تعریف دیده‌بانی فرهنگی

### پویش و ارزیابی

به منظور ارزیابی نشانه‌های تحولات فرهنگی ابتدا باید آنها را شناسایی نمود. نشانه‌ها، نخستین علائم<sup>۱</sup> مهم بروز تغییر هستند (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۰۹). دو رویکرد عمده در شناسایی نشانه‌های تحولات فرهنگی شامل رویکرد اکتشافی و رویکرد موضوع محور می‌باشد. رویکرد اکتشافی انواع مختلف نشانک‌ها را با یک پروفایل پژوهشی باز<sup>۲</sup> مورد شناسایی قرار می‌دهد که در آن تحلیلگر بدون چارچوبی مشخص به دنبال اطلاعاتی درباره تحولات جدید است؛ رویکرد موضوع محور متمرکز بر شناخت

1. Sign

2. Open Search Profile

نشانه‌های اولیه است که توصیف‌کننده بخش‌های مهمی از موضوعات بالقوه (موضوعات نوآیند، تحقق سناریوها، تغییرات شاخص‌ها و ...) هستند (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۱: ۶).

عبارت ارزیابی بدین معناست که پس از احصاء و شناسایی اولیه نشانه‌ها به‌عنوان قلب دیده‌بانی فرهنگی، بایستی آن را مورد پالایش، تحلیل و ارزیابی قرار داد تا مواردی که در تحلیل تحولات فرهنگی، مهم تلقی می‌گردند طبقه‌بندی و مبنای عمل قرار گیرند، چرا که همه نشانه‌های تحولات فرهنگی لزوماً با اهمیت و ارزشمند نیستند.

#### نظام‌مند

عبارت نظام‌مند دلالت بر گام‌ها و فرایندهایی دارد که طی آن با کاوش منابع پویا (ورودی‌ها) در دامنه انتخابی به شناسایی نشانه‌های مهم تحولات بالقوه فرهنگی مبادرت شده و ارزیابی و تحلیل آنها منجر به حصول خروجی‌های دیده‌بانی (موضوعات نوآیند، عدم قطعیت‌ها و سناریوها، فرصت‌ها و تهدیدها، مسائل، گزارش‌های اطلاعاتی مورد نیاز و...) می‌شود. همان‌گونه که قبلاً اشاره شده، به‌طور کلی گام‌های اصلی دیده‌بانی فرهنگی دو گام پویا و پایش می‌باشد. در فرآیند دیده‌بانی فرهنگی، از روش‌ها و ابزارهای مختلفی می‌توان استفاده نمود؛ هر یک از روش‌ها و ابزارها، بسته به شرایط، دارای مزیت‌ها و معایبی هستند؛ بکارگیری روش‌ها مبتنی بر اطلاعات مورد نیاز باید متشکل از روش‌ها یا ترکیبی از روش‌هایی باشد که بتوانند کلیه مراحل مختلف فعالیت دیده‌بانی فرهنگی را تحت پوشش قرار دهند. ممکن است برخی از روش‌ها برای گردآوری اطلاعات در فرآیند دیده‌بانی، بهتر و مناسب‌تر باشند، در حالی که برخی، بیشتر با تجزیه و تحلیل اطلاعات سازگاری دارند. به هر حال دیده‌بانی بر مبنای یک روش انجام نمی‌شود و بایستی در قالب تعدادی گام با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف اجرا شود.

#### نشانه‌های مهم تحولات بالقوه فرهنگی

نشانه‌های تحولات فرهنگی اعم از نشانه‌های ضعیف، روندها، پیشران‌ها، ناپیوستگی‌ها، شگفتی‌سازها و موضوعات و مسائل جاری و باثبات - و سایر موضوعات در مرز برنامه‌ریزی‌ها و اندیشه فعلی و البته غیر محدود به آن، که فرضیه‌های گذشته را به چالش می‌کشند - می‌باشد که بر حوزه فرهنگ تأثیرگذار هستند؛ در واقع دیده‌بانی در جستجوی آنچه با ثبات است، آنچه ممکن است تغییر کند و آنچه پیوسته در حال تغییر است، می‌باشد (کیولز و همکاران، ۲۰۱۵: ۷)؛ در دیده‌بانی شناسایی نشانه‌های ضعیف به‌عنوان جوهره دیده‌بانی فرهنگی و تبیین موضوعات نوآیند فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است.

واژه مهم دلالت بر این دارد که از میان نشانه‌های تحولات فرهنگی، آنهایی که ارزشمند و دارای تأثیر معنادار (ون ریج<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۴) و پیامدهای واقعی (بایشاپ، ۲۰۰۹: ۵) هستند بایستی مدنظر قرار گیرند. عبارت بالقوه حکایت از عدم قطعیتی (مایلز و ساریتاس، ۲۰۱۲: ۵۳۱) دارد که در خصوص نحوه اثرگذاری نشانه‌ها (بازدارنده یا پیش برنده، فرصت یا تهدید، عادی یا غیرمنتظره) بر حوزه فرهنگ داریم.

### محیط‌های مختلف پویا

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد با توجه به ارتباط فرهنگ با سایر ابعاد جامعه، تحولات فرهنگی، می‌توانند در محیط‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی و...) ریشه داشته باشند. در واقع محیط‌های مختلف هر کدام می‌توانند در بردارنده نشانه‌هایی باشند که بر حوزه فرهنگ تأثیرگذار است. فرهنگ ماهیتی فرآیندی دارد که پارادوکس ثبات و پویایی را همواره در خود دارد و در فرایند زمان متأثر از محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در حال تحول است. فرهنگ در محیط‌های فوق بازتاب می‌یابد و به‌صورت رویدادها و پدیده‌های نوظهور، در جامعه نمایان می‌شود (عیوضی، ۱۳۹۴: ۱)؛ بنابراین نشانه‌های تحولات در دیده‌بانی فرهنگی در محیط‌های مختلف قابل شناسایی و ارزیابی هستند.

جدول ۱: شناسایی نشانه‌های تحولات فرهنگی در محیط

نشانه‌های تحولات فرهنگی / محیط	زبان	اقتصادی	بنا المل	دین	سلامت	سیاسی	صنعت و کشاورزی	علم و فناوری	فرهنگ	محیط زیست
نشانه ضعیف	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟
روند	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟
پیشران	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟
ناپوستگی	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟
شگفتی‌ساز	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟
موضوعات و مسائل با ثبات و ...	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

(اقتباس از مولایی و همکاران، ۱۳۹۴ و میندوکا و همکاران، ۲۰۱۲)

### موضوعات نوآیند، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی محتمل

از خروجی‌های اصلی فرآیند دیده‌بانی، موضوعات نوآیند فرهنگی است. بایستی در قالب فرآیند نظام‌مند و روش‌مند به پیوند احتمالی و ارتباط نشانه‌های تحولات فرهنگی در راستای دستیابی به موضوعات نوآیند و سایر محصولات دیده‌بانی توجه شود. موضوعات نوآیند توصیف‌کننده یک روایت آینده یا سناریویی کوچک هستند (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۲: ۴) که یا تحولات و رویدادهایی امیدبخش را تجسم می‌کنند یا تحولات و رویدادهای مخاطره‌آمیز (ون‌ریج، ۲۰۱۲: ۳). شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی دلالت بر بررسی تأثیرات احتمالی موضوعات نوآیند بر حوزه فرهنگ دارد. موضوعات نوآیند فرهنگی می‌توانند تأثیرات بازدارنده یا پیش‌برنده در حوزه فرهنگ داشته باشند که اثرات احتمالی آنها یا جنبه تهدید گونه دارند یا فرصت آفرینند. طی شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها بایستی مشخص گردد که موضوعات نوظهور تهدیدزا یا فرصت‌آفرین بر کدام موضوع مورد نگرانی از میان مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی، تأثیرگذار

خواهند بود، تا بتوان با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات پیش‌دستانه و راهبردی، از اثرات تهدیدهای مخرب کاست یا از فرصت‌های احتمالی بهره‌برداری کرد. عبارت محتمل به این دلیل استفاده شده است که فرصت‌ها و تهدیدها امکان‌پذیرند ولی نمی‌توانند به‌طور قطعی در نظر گرفته شوند. فعلیت آنها به تصدیق موضوعات نوآیند فرهنگی از طریق پایش نشانک‌های ثانویه بستگی دارد.

#### پایش شاخص‌های فرهنگی، شاخص‌های راهنما و نشانک‌های ثانویه

نظام‌واره فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران از سه عنصر «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار» و «تمادها و مصنوعات» شکل گرفته است. هر کدام از این عناصر با توجه به فرهنگ آرمانی دارای مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند در سطوح مختلف فرهنگ (ملی، عمومی و حرفه‌ای) موضوعیت داشته باشند (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲: ۱۶). پایش مؤلفه‌های فرهنگ، مبتنی بر مدل‌های عینی صورت می‌گیرد و هدف اصلی آن، وضعیت‌یابی مؤلفه‌های فرهنگ از طریق سنجش شاخص‌های تدوین شده برای آنهاست.

در قبال موضوعات نوآیند فرهنگی، می‌توان نشانک‌های ثانویه آنها را پایش نمود تا پس از تصدیق موضوع نوآیند، سیاست‌ها و اقدامات اثر بخش طراحی گردد. همچنین از محصولات دیگر دیده‌بانی فرهنگی، سناریوهای فرهنگی است که با تحلیل نشانک‌ها و پیش‌ران‌های فرهنگی و شناسایی عدم قطعیت‌ها طراحی می‌گردند. برای سناریوهای فرهنگی، شاخص‌های راهنما تعیین می‌شوند که با پایش آنها، تحقق یا عدم تحقق سناریوها پیگیری می‌شود تا راهبردها و سیاست‌های پیش‌دستانه در قبال آنها اتخاذ گردد.

پایش شاخص‌های فرهنگی، رویکردی انفعالی را به همراه دارد چرا که مسائل را هویدا می‌سازد که بایستی پس از آن به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب، مسأله‌شناسی صورت گیرد. پایش نشانک‌های ثانویه موضوعات نوآیند و شاخص‌های راهنمای سناریوها، رویکردی فعالانه در مواجهه با مسائل و فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی را اتخاذ می‌کنند؛ در واقع با پایش نشانک‌ها و شاخص‌های راهنما، در برابر تغییرات احتمالی شاخص‌های فرهنگ - که ممکن است باعث بروز فرهنگ جدید، تغییر فرهنگ موجود، یا زوال فرهنگ شوند - پیش‌دستانه عمل می‌شود.

#### مسأله‌شناسی فرهنگی

برای شاخص‌های مؤلفه‌های فرهنگی یک میزان استاندارد متصور است؛ مسأله‌ناظر به شکاف بین وضع موجود با میزان استاندارد شاخص‌های فرهنگی است. به دلیل ارتباط گسترده فرهنگ با سایر بخش‌های جامعه، شاخص‌های مسأله فرهنگی از تنوع زیادی برخوردار است و برای طراحی این شاخص‌ها باید اقتضائات خاص جامعه و فرهنگ را در نظر گرفت (نگاهداری، ۱۳۸۴). در صورتی که در فرآیند پایش انحرافی از وضع استاندارد مشاهده شود به‌عنوان هشدارهایی قلمداد می‌شود؛ آنچه در مسأله‌شناسی فرهنگی، حائز اهمیت است شناخت صحیح مسأله و ریشه‌های آن است. در این راستا می‌توان از دو مدل

که توسط عنایت الله (۲۰۰۹) در حوزه آینده‌پژوهی تحت عنوان تحلیل لایه‌ای علت‌ها و الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۴) در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی ارائه شده است، استفاده نمود.

### افق زمانی

در خصوص افق زمانی نظرات مختلفی ارائه شده است، به اعتقاد هبگر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) افق زمانی پوشش معمولاً از یک دورنمای میان‌مدت یا بلندمدت برخوردار است. هم‌چنین بیان شده است افق زمانی می‌تواند کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد (کیولز و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۵). در حالی که ون‌ریج (۲۰۰۸) عدم وجود یک چارچوب زمانی خاص (تلاش برای نگاه رو به جلو تا جایی که می‌توانیم ببینیم یا تجسم کنیم) و شناسایی سنجیده‌های ضعیف را از مشخصه‌های پوشش ذکر کرده است.

در مقوله دیده‌بانی فرهنگی با دو مفهوم پوشش و پایش سروکار داریم که هر کدام از آنها می‌تواند با سیکل زمانی خاص خود انجام شود. پوشش موضوعات نوآیند فرهنگی می‌تواند میان مدت (افق پنج ساله)، بلندمدت (افق پنج ساله تا پنجاه ساله) و بلندمدت‌تر (بیشتر از پنجاه سال) و یا دارای افق چندگانه باشد (بنگستون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۷). پایش مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی - با توجه به ویژگی تکرار‌شوندگی که ون‌ریج (۲۰۰۸) اشاره کرده است - می‌تواند در بازه زمانی کوتاه‌مدت (سالانه) انجام شود و هر دو فعالیت مذکور می‌توانند به صورت دوره‌ای، مستمر، به صورت ویژه یا مبتنی بر نیاز و نامنظم انجام گیرند.

### پشتیبانی از سیاست‌گذاری و آینده‌نگاری فرهنگی

در فرآیند خطیر سیاست‌گذاری کلان فرهنگی کشور، شناسایی و تحلیل جریان‌ها و مسائل عمده فرهنگی به‌عنوان یکی از مقدمات تعیین‌کننده در آینده‌نگاری فرهنگی، نقش مهم و اساسی دارد (شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور، ۱۳۸۴)؛ دیده‌بانی فرهنگی با گردآوری دامنه گسترده‌ای از شواهد، اطلاعات، شناسایی و ارزیابی موضوعات نوآیند فرهنگی و شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و مسأله‌شناسی فرهنگی به آگاهی بخشی به سیاست‌گذاران برای وضع سیاست‌های فرهنگی بهنگام کمک خواهد کرد. هم‌چنین خروجی حاصل از آن در ترکیب با سایر روش‌های آینده‌پژوهی مانند سناریوپردازی و در فرآیندهای یادگیری و تعاملی در بین سیاست‌گذاران فرهنگی می‌تواند پشتیبانی برای آینده‌نگاری فرهنگی باشد. لازم به ذکر است مداخله در فرهنگ در حوزه دیده‌بانی فرهنگی قرار نمی‌گیرد، چراکه دیده‌بانی فرهنگی صرفاً گزاره‌های توصیفی در خصوص فرهنگ را به‌دست می‌دهد و به منظور جهت‌دهی به فرهنگ و صدور گزاره‌های تجویزی بایستی وارد حوزه‌های دیگری هم‌چون سیاست‌گذاری فرهنگی و آینده‌نگاری فرهنگی شویم. اطلاعات حاصل از دیده‌بانی فرهنگی راهگشای حوزه‌های مذکور می‌باشد و در واقع هدف از دیده‌بانی استفاده از آن برای جهت‌دهی به فرهنگ است.

1. Habegger  
2. Bengston

### چارچوب فرایندی دیده‌بانی فرهنگی

پس از بررسی مفهومی تعریف دیده‌بانی فرهنگی، باید به گام‌ها و فرآیندهای انجام دیده‌بانی فرهنگی و جایگاه احتمالی آن در کل فرآیند دیده‌بانی فرهنگی پرداخت. این مهم با نگرش فرایندی و با مطالعه، کاوش و تحلیل ادبیات پژوهش صورت گرفته است؛ فرآیندها به همراه کاربرد روش‌ها و ابزارها، گام‌های اجرایی فرآیند دیده‌بانی فرهنگی را شکل می‌دهند. گام‌های دیده‌بانی فرهنگی و فرآیندهای آنها با متن کاوی و بهره‌گیری از ادبیات پژوهش در ادامه تشریح شده است.

### گام اول: سازماندهی و آماده‌سازی

این گام شامل دو فرآیند «اتخاذ تصمیمات و فعالیت‌های آغازین» و «ایجاد شبکه دیده‌بانی فرهنگی» است. در واقع آغاز فرآیند دیده‌بانی فرهنگی نیازمند تصمیماتی در خصوص تعریف اهداف و دامنه (گستره)، تعیین افق زمانی، گزینش منابع پویش، تعیین تناوب انجام پویش و پایش، انتخاب روش‌های شناسایی، پردازش و تفسیر نشانه‌ها و اقداماتی نظیر نگاشت نهادی، تیم‌سازی و تعیین مسئولیت‌ها و کسب حمایت‌های لازم و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز می‌باشد. در این گام بایستی در خصوص سطح انجام دیده‌بانی (ملی، عمومی، حرفه‌ای)، عناصری از فرهنگ که در دیده‌بانی مد نظر قرار دارند (باورها و عقاید، ارزش‌ها و هنجارها، نمادها و مصنوعات)، دامنه (گسترده، متمرکز، ترکیبی)، تناوب انجام (مستمر، دوره‌ای، مبتنی بر نیاز)، افق زمانی (بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت، چندگانه)، منابع (انسانی، متنی، برخط) و روش‌های انجام (بر اساس سطح مشارکت و سطح خودکاری) تصمیم‌گیری شود.

طراحی و تشکیل شبکه مشارکت‌کنندگان و ذی‌نفعان در دیده‌بانی فرهنگی با توجه به اهداف و گستره دیده‌بانی به منظور پویش نشانه‌های تحولات فرهنگی با بهره‌گیری از منابع انتخابی - و هم‌چنین بکارگیری آنها در فرآیندهای آتی دیده‌بانی - فرآیند دیگر گام ساماندهی و آماده‌سازی می‌باشد. دیده‌بانی باید به دنبال درگیرکردن ذینفعان متنوع باشد (کونولا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷: ۵). یک نقطه آغازین عالی برای احصاء اطلاعات، سرمایه‌گذاری بر روی شبکه‌ها و ارتباطات انسانی است (هیگر، ۲۰۰۹: ۹). از دیدگاه بورگان و میلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) دیده‌بانی نیازمند تنوع دیدگاه‌هایی است که از تعاملات میان کنشگران گوناگون ناشی می‌گردد؛ مشارکت و حضور ذینفعان اجتماعی و دولتی نه تنها در طول گردآوری داده‌ها بلکه به منظور هدایت، تفسیر و تلفیق داده‌ها و حمایت از اجرای نتایج دیده‌بانی ضروری می‌باشد (ون‌ریج، ۲۰۰۸: ۴). دخالت دادن ذی‌نفعان در فرآیند دیده‌بانی به گونه‌ای که آنها بتوانند اطلاعاتی در زمینه فرآیند و کسب نتایج حاصل از آن به دست آورند، بسیار حائز اهمیت است. حتی ذی‌نفعان می‌توانند به‌طور فعال، در تفسیر نتایج و ارائه پیشنهادها سیاستی، مشارکت داده شوند. در واقع ذی‌نفعان بایستی در جریان منافع حاصل از مواجهه مؤثر با موضوعات نوآیند فرهنگی، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در این مواجهه قرار

1. Konnola  
2. Bourgon & Milley



گیرند (آماناتیدو، ۲۰۱۲: ۲۲۰). طراحی شبکه تخصصی در خصوص متغیرهای استراتژیک حوزه فرهنگ (نگاهداری، ۱۳۸۵: ۸۷) به منظور پوشش حوزه‌های مختلف دیده‌بانی و مشارکت ذی‌نفعان مختلف در اجرای دیده‌بانی فرهنگی این مهم را میسر می‌سازد.

### گام دوم: پویش نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی با رویکرد اکتشافی

از آنجا که بُعد فرهنگ با سایر ابعاد جامعه شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... ارتباط تنگاتنگی دارد؛ در اولین فرآیند این گام، با تعیین نمایه کاوش، منابع پویش گلچین شده و نشانه‌های مهم تغییر در محیط‌های مختلف پویش اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دین، بین‌الملل، علم و فناوری، سلامت، صنعت و کشاورزی و محیط زیست، کاوش و جمع‌آوری و مستندسازی می‌شود. ایجاد پایگاه داده نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی اعم از نشانه‌های فیزیکی (قابل مشاهده) و اجتماعی (ذهنی) (آماناتیدو، ۲۰۱۲: ۲۱۰). در فرآیند بعدی گام پویش حائز اهمیت است. پویش اکتشافی انواع مختلف نشانک‌ها را با یک نمایه جستجوی باز مورد شناسایی قرار می‌دهد و اطلاعات ارائه شده توسط پویش اکتشافی، غنی بوده و فاقد تمرکز است (آماناتیدو، ۲۰۱۲: ۲۱۰). لذا پس از ایجاد پایگاه داده، به منظور احصاء مؤلفه‌های کلیدی دیده‌بانی فرهنگی، نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی، بایستی دسته‌بندی گردند. بدین منظور بهره‌گیری از چارچوب معناسازی نشانک‌های آینده (FSSF) (کوسا، ۲۰۱۰: ۴۵) مفید خواهد بود؛ در واقع در فرآیند آخر گام پویش، نشانه‌ها، در قالب «نشانک‌های ضعیف»، «روندها»، «پیشران‌ها»، «اعوجاج‌ها»، «رویدادها و شگفتی‌سازها» و «مسائل» دسته‌بندی می‌گردد و پایگاه داده با گزارش‌های شناسایی مؤلفه‌های مذکور تکمیل و بروزرسانی می‌شود.

### گام سوم: تفسیر نشانه‌ها و تشخیص مؤلفه‌های کلیدی دیده‌بانی فرهنگی

با نظر داشت دسته‌بندی صورت گرفته در گام قبلی، تأثیر و تأثر نشانه‌های حوزه فرهنگ با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی تحلیل می‌شوند. در این گام نشانک‌های ضعیف فرهنگی تلفیق و خوشه‌بندی می‌شود. الگو و روند تغییر و تحول در عناصر فرهنگ (روندهای فرهنگی) تحلیل شده و با بررسی تعامل و توصیف پیشران‌های تغییر، پیشران‌های حوزه فرهنگ شناسایی می‌شوند. اعوجاج‌ها و شگفتی‌سازهای تأثیرگذار بر فرهنگ تحلیل و مسائل فرهنگی شناسایی می‌گردند. مؤلفه‌های مذکور در ادامه تبیین شده‌اند:

نشانک‌های ضعیف، علائم اولیه مربوط به تغییرات ممکن اما اثبات نشده‌ای هستند که بعدها می‌توانند به شاخص‌های قابل توجهی از نیروهای مهم برای تحولات، تهدیدات و نوآوری‌ها تبدیل شوند. آنها علائم اولیه پارادایم شیفت‌ها (سنت شکنی‌ها) یا روندهای آینده، پیشران‌ها یا اعوجاج‌ها را نشان می‌دهند (ساریتاس و اسمیت، ۲۰۱۱: ۲۹۷). نشانک‌های ضعیف، موضوعات و رویدادهای جاری کوچک و به ظاهر غیر مهمی هستند که می‌توانند در زمینه تغییرات آینده با ما سخن بگویند. به عبارت بهتر، امروزه آثار و نشانه‌هایی وجود دارند که اشاره به روندها و رویدادهای محتمل آینده دارند. با فهم و ادراک، این امر

امکان پذیر است که نشانه‌های ضعیف گذشته که خبر از رخدادهایی در آینده می‌دادند مشخص شوند (هیلتون، ۲۰۰۶: ۶۲). به‌عنوان نوعی از مواد خام آینده‌نگاری، نشانه‌های ضعیف می‌توانند به‌عنوان داده‌های محیطی ناخالص، غیرساختارمند، جزئی و ناکامل تلقی گردند که ممکن است با توجه به بافتار، به اطلاعاتی ارزشمند پالایش شوند و علاوه بر آن دانش راهبردی و کاربردی را به ارمغان بیاورند (مندوکا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱).

روند عبارت است از تغییرات منظم، مستمر یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی که ممکن است به شکل کمی یا کیفی باشد (اکبریان و ایران‌پور، ۱۳۹۴). روندها می‌توانند بلندمدت با تأثیر قوی (کلان روند) و کوتاه مدت با تأثیر کم باشند. روندها ممکن است بخشی از یک موضوع یا علت یک موضوع باشند (ون‌ریج، ۲۰۱۲: ۲۴). پیشران‌ها به آن دسته از نیروها، عوامل و عدم قطعیت‌هایی اشاره دارند که از سوی ذی‌نفعان قابل پذیرش هستند و باعث ایجاد یا پیش‌راندن (تحریک کردن) تغییر می‌شوند، در واقع پیشران‌های تغییر، آن دسته از عوامل، نیروها یا رویدادها و تحولاتی هستند که می‌توانند در راستای تغییر انتخاب استراتژیک، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های تحقیق و توسعه یا استراتژی‌ها و دانش آینده‌نگاری، قابل پذیرش باشند. آنها هم در حال حاضر قابل پذیرش هستند و هم در آینده دارای ارزش خواهند بود (ساریتاس و اسمیت، ۲۰۱۱: ۲۹۵).

تغییرات بالقوه شناسایی شده در محیط بیرونی می‌تواند مستمر یا غیرمستمر باشد. مخرب‌ترین نوع تغییر غیرمستمر، رویدادهای با احتمال پایین اما تأثیر بالا است که در ادبیات آینده‌پژوهی به آن شگفتی‌سازها گفته می‌شود (پترسون و استاین‌ملر، ۲۰۰۹: ۱). شوک‌ها و شگفتی‌سازها، آن دسته از موقعیت‌ها و رویدادهای غافل‌گیرکننده‌ای هستند که می‌توانند به وقوع بپیوندند ولی معمولاً از احتمال بسیار اندکی برخوردارند؛ اما چنانچه به وقوع بپیوندند، تأثیر بسیار بالایی خواهند داشت. این موقعیت‌ها تمایل به تغییر اصول و چارچوب‌ها دارند و مسیرهای جدیدی را خلق می‌کنند که می‌توانند مبنای جدیدی برای چالش‌ها و فرصت‌های دیگر ایجاد کنند که تا پیش از این ذی‌نفعان به آنها فکر نمی‌کردند و یا آمادگی لازم برای رویارویی با آنها را نداشتند (ساریتاس و اسمیت، ۲۰۱۱: ۲۹۵).

شگفتی‌سازها نمایانگر وقوع یک رویداد ناگهانی (بی‌خبر و سریع)، غافل‌گیرکننده (غیرمنتظره) و مهم (جدی و شدید) هستند که خارج از حالت عادی بوده و بنابراین نمایانگر یک چالش مهم آینده‌نگاری هم برای سیاستگذاران و هم برای محققان می‌باشند (مندوکا و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۳). در زمینه شگفتی‌سازها، تنها زمان اندکی برای واکنش به تغییر پیش از آنکه اتفاق بیافتد وجود دارد. در مقایسه با تغییرات تدریجی، امکان پیش‌بینی آنها به‌طور پیشرفته وجود دارد و می‌توانند توسط نشانه‌های ضعیف اعلان شوند (هیلتون، ۲۰۰۶: ۶۷).

اعوجاج‌ها به تغییرات سریع و مهم در مسیرها بدون جنبه غیرقابل پیش‌بینی بودن اساسی یا شگفت‌آوری عمیق اشاره دارند. اعوجاج‌ها، موقعیت‌ها- تأثیراتی هستند که در طول زمان و در ورای رویدادهای مستقل در جریان هستند، تغییرات سریع دارند و به‌صورت زیربنایی مسیرهای گذشته یا راستای مورد انتظار سیاست‌ها و نظامات برنامه‌ریزی را تغییر می‌دهند (ساریتاس و اسمیت، ۲۰۱۱: ۲۹۷).

مسئله فرهنگی عبارت است از مجموعه مشکلات و چالش‌هایی که بخش فرهنگ اعم از مادی و معنوی، با آن روبرو است. بدیهی است به دلیل ارتباط گسترده فرهنگ با سایر بخش‌های جامعه، شاخص‌های مسئله فرهنگی از تنوع زیادی برخوردار است. طبیعتاً هر کدام از بخش‌های فرهنگی می‌توانند شاخص‌های ویژه‌ای برای مسائل حوزه خود داشته باشند. امکان دسترسی به شاخص‌هایی برای تشخیص مسائل فرهنگی وجود دارد. هرچند برای طراحی این شاخص‌ها باید تمام اقتضائات خاص هر جامعه و فرهنگ را در نظر گرفت و این امر، تعیین شاخص‌هایی برای مسائل فرهنگی را دشوار می‌کند (نگاهداری، ۱۳۸۴). برای فهم مسئله فرهنگی در ایران ابتدا باید به این نکته توجه کنیم که چه موضع یا رویکردی در زمینه مسئله فرهنگی داریم. چرا که رویکردهای مختلف، دلالت‌های نظری و مفهومی و نهایتاً مصادیق انضمامی متمایزی را به‌وجود می‌آورد؛ در فرآیند فرهنگی‌شدن نوعی ادغام در همه حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در فرهنگ در حال شکل‌گیری است؛ در واقع در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی با مسئله فرهنگ روبه‌رو هستیم (فاضلی، ۱۳۹۵). لذا می‌توان گفت مسئله فرهنگ، ناظر به کلیت زندگی اجتماعی در دنیای امروز است نه به بخش‌های خاص، مشکلات ویژه، محدودیت‌های معین یا مصادیق انضمامی معلوم (نگاهداری، ۱۳۸۴).

لازم به ذکر است مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی اعم نشانک‌های ضعیف فرهنگی، روندهای فرهنگی، پیشران‌های فرهنگی، اعوجاج‌ها و شگفتی‌سازها و مسائل فرهنگی هم ناظر به آینده (بالقوه و محتمل) بوده و هم ناظر به آنچه در گذشته و یا حال (موجود) به‌عنوان بذر تغییر هویدا شده و بروز کرده‌اند، می‌باشند.

#### گام چهارم: استنباط و ارائه محصولات پویش

در این گام، با خوشه‌بندی مؤلفه‌ها و جستجوی استنتاجات، تعاملات مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی تحلیل می‌شود؛ با تجزیه و تحلیل تعاملات و روابط مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی و شناسایی الگوها و تولید گزارش‌ها درباره موضوعات مورد علاقه و حائز اهمیت با استفاده از پایگاه داده نهایی، سیستم هوش جمعی و تعاملی (سیستم اطلاعات جمعی) شکل گرفته و با کاربرد روش‌های مناسب، موضوعات نوآیند فرهنگی توصیف و هم‌چنین عدم قطعیت‌ها شناسایی می‌شود. توصیف موضوعات نوآیند و شناسایی عدم قطعیت‌ها دو فعالیتی است که می‌تواند به‌طور موازی در این گام انجام گیرد.

با پویش اکتشافی، موضوعات نوآیند شناسایی شده و با پردازش اطلاعات از منابع مختلف توصیف می‌شوند؛ موضوعات نوآیند یا نیاز به پشتیبانی و پرورش دارند و یا نیاز به اقدامات انطباقی و خنثی کردن

دارند (ونریج، ۲۰۱۲: ۳). موضوعات نوآیند اشاره به فرصت‌ها، تحولات و مسائلی دارند که نیاز به اقدام سیاستی دارند. این اقدامات ممکن است نه تنها اصلاحات نهادی بلکه اقدامات نظارتی یا اقدامات اولویت‌گذاری یا تنظیم یک برنامه تحقیق و... باشد. قدرت موضوع بر مبنای ترکیبی از شواهد، جاذبه علائق قوی، ارزش‌ها و احساسات تعریف می‌شود (ونریج، ۲۰۱۱: ۴)؛ پس از توصیف موضوعات نوآیند، معناسازی و اجتماعی کردن موضوعات نوآیند فرهنگی فرآیند بعدی این گام را شکل می‌دهد. معناسازی (تبادل و تطبیق آنچه تاکنون آموخته شده است) فعالیتی کلیدی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات دیده‌بانی می‌باشد که در آن گفتگوهای آینده در قالب کارگاه در خصوص موضوعات آینده یا دیگر گفتگوهای تخصصی با بازیگران مختلف شکل می‌گیرد (کیولز و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۱-۳۲). در واقع توصیف موضوعات نه تنها باید به یافته‌های قابل اطمینان علمی و حقیقی اطلاق شود بلکه باید دارای تأثیر قابل انتظار بر سیستم‌های ارزشی مهم، علایق، روابط قدرت و احساسات باشد؛ گفتمان‌ها درباره موضوعات نوآیند، به مباحثه‌های ارتباطی در خصوص موضوعات نوآیند اطلاق می‌شود که در عرصه سیاسی یا در یک فرآیند تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتند (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۱: ۶). اصطلاح تبلیغات اغراق‌آمیز<sup>۱</sup> به‌طور کلی به شور و شوق بیش از حد، تبلیغات بیش از اندازه پیرامون یک موضوع خاص، اعلان‌های بیش از اندازه و یا ادعاهای اغراق‌آمیز اشاره می‌کند (ونریج، ۲۰۱۱: ۴). هدف «تبلیغات اغراق‌آمیز» تأثیرگذاری بر گفتمان به شکلی قوی و البته در کوتاه مدت است. موضوعات نوآیند شناسایی شده تنها در صورتی می‌توانند در گفتمان سیاسی موفق باشند که خط داستان (روایت) مورد استفاده دارای جایگاه ارتباطی قوی در گفتمان سیاسی بوده و ترجیحاً مرتبط با گفتمان سیاسی امروزی باشد (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۱: ۵).

برای موضوعات نوآیند فرهنگی موفق در فضای تبلیغات و گفتمان بایستی نشانک‌های ثانویه تعیین شود، تا مبنایی برای صدق یا عدم صدق موضوع نوآیند به دست آید. در فرآیند بعدی پس از معناسازی موضوعات نوآیند، بایستی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی که موضوعات نوآیند فرهنگی در صورت وقوع، با خود به همراه دارند شناسایی گردند، این مهم از طریق تحلیل چرخ آینده‌ها حاصل می‌شود. ارزیابی و وزن‌گذاری فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی و ترکیب فرصت‌ها و تهدیدها و مسائل در این فرآیند موضوعیت دارد (ونریج، ۲۰۰۸: ۱۳).

در این گام، به موازات توصیف موضوعات نوآیند فرهنگی، با شناسایی عدم قطعیت‌ها که با تجزیه و تحلیل تعاملات و روابط مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی و انجام فرآیند علمی به‌دست آمده‌اند، سناریوهای فرهنگی طراحی می‌گردند و شاخص‌های راهنمای سناریوها به‌عنوان مبنای تحقق سناریوها تدوین می‌گردد.

می‌توان از اطلاعات دیده‌بانی برای توسعه سناریوهایی پیرامون آینده استفاده کرد که می‌تواند باعث «گفتگوهای استراتژیک» درباره تهدیدها و فرصت‌های احتمالی شود (کانری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۸). در ساده‌ترین حالت، عدم قطعیت از فقدان اطلاعات یا فقدان تحلیل و تفکر ناشی می‌شود. سناریوها راهی را برای کنترل عدم قطعیت‌ها فراهم می‌کنند. مجموعه‌ای از سناریوها، باید به حد کافی پیچیده باشند تا بتوانند مرتبط‌ترین جنبه‌های عدم قطعیت محیطی را پوشش دهند. هشدار اولیه به‌طور کلی به شناسایی زودهنگام نشانه‌های تغییر، روندها و توقف روندها در ارتباط با سناریو، می‌پردازد. هشدار اولیه، امکان بررسی مسیریایی که سالیان متمادی غالب بوده‌اند را فراهم می‌سازد؛ آیا احتمال سناریوی خاصی، کم یا زیاد شده است؟ چگونه روندهای دیگر، این روند را تحت تأثیر قرار خواهند داد؟ برای رسیدن به قضاوتی هرچه بی‌طرفانه‌تر، بهتر است تعدادی از نشانگرها و شاخص‌ها را شناسایی کنیم؛ یعنی تغییراتی در محیط که احتمال وقوع هر یک از سناریوها را افزایش یا کاهش می‌دهند (لیندگرن و باند هولد، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

### گام پنجم: پایش فرهنگی

این گام شامل سه فرآیند کلیدی پایش نشانک‌های ثانویه موضوعات نوآیند، پایش شاخص‌های راهنما و پایش شاخص‌های فرهنگی است. به منظور تصدیق موضوعات نوآیند فرهنگی، بایستی نشانک‌های ثانویه به‌طور مستمر پایش شوند. لایوایکس<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) معتقد است آغاز فرایند پایش با انتخاب نشانک‌های موضوعات نوآیند است؛ رویکرد موضوع‌محور نشانک‌هایی را شناسایی می‌کند که از داستان‌های آینده برای سیاست‌ها پشتیبانی به‌عمل می‌آورد. رویکرد موضوع‌محور معمولاً شامل فرآیندهای کاملاً متمرکزی است که یک موضوع را که مستعد تأثیرگذاری بالا است و نیاز به اقدام در حال حاضر دارد، برجسته می‌کنند. رویکرد موضوع‌محور متمرکز بر شناخت ملاک‌های اصلی است که توصیف‌کننده بخش‌های مهمی از موضوعات بالقوه هستند. در رویکرد موضوع‌محور، توصیف مقدماتی موضوعات به‌عنوان مبنای شناسایی نشانک‌های بالقوه، شناخته می‌شوند که می‌توانند ظهور واقعی یک موضوع را تأیید یا رد کنند. در این رویکرد، تمرکز پایش بر نشانک‌هایی است که دارای روایتی کامل یا مهم از آینده برای سطح مشخصی از سیاست‌ها هستند (آماناتیدو و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱۱).

شاخص‌های راهنمای تدوین شده برای سناریوها که ملاکی برای تحقق سناریوهای فرهنگی می‌باشند به‌طور همزمان مورد پایش قرار می‌گیرند. شاخص‌های حوزه فرهنگ که با توجه به مؤلفه‌های پایدار فرهنگ (عقلانی، ملی، مدنی و دینی) (عنبری، ۱۳۹۰: ۴۹) و عناصر فرهنگ (باورها و عقاید، رفتارها و هنجارها، نمادها و مصنوعات)، در سطوح ملی، عمومی و حرفه‌ای (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۶) و بافتار جامعه (فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست و نظایر آن) (شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور، ۱۳۸۴) تدوین شده و وضعیت مطلوب آنها تعیین شده است بایستی به‌طور مستمر رصد و وضعیت سنجی شده و

1. Connery  
2. Lavoix

تغییر و تحولات متغیرها و حوزه‌های مهم و استراتژیک عرصه فرهنگ تحلیل کردند و در صورت وجود انحراف به‌عنوان هشدارهای اولیه و مسائل عینی مبنایی برای گام بعدی قرار گیرند. لازم به ذکر است این فرآیند با توجه به امکان شکاف‌های اطلاعاتی در خصوص نشانه‌های تغییر در حوزه فرهنگ در گام‌های پیشین، به‌طور مستمر و مستقل از آنها انجام می‌گیرد.

### گام ششم: پشتیبانی از راهبردنگاری و سیاستگذاری فرهنگی

در این گام در قالب سه فرآیند راهبردهای مواجهه صحیح و سیاست‌های فرهنگی مناسب پیشنهاد می‌شوند: راهبردنگاری فرهنگی (در قبال سناریوها)، پیشنهاد سیاست‌های فرهنگی و اقدامات پیش‌دستانه (در قبال موضوعات نوآیند) و سیاستگذاری فرهنگی (برای حل مسأله).

در صورت تصدیق موضوع نوآیند فرهنگی، در قبال موضوع بازدارنده یا پیش‌برنده فرهنگی بایستی سیاست‌های فرهنگی و اقدامات پیش‌دستانه طراحی گردند. این مهم در صورت دریافت نشانک‌های ثانویه موضوعیت یافته و با بهره‌گیری از فرصت‌های نویدبخش و تهدیدهای قریب الوقوع فرهنگی - که در گام‌های قبلی تحلیل شده‌اند - انجام می‌گیرد. هم‌چنین با پایش شاخص‌های راهنما، در صورتی که شاخص‌های راهنمای مؤید سناریوی فرهنگی؛ تحقق سناریو را نوید دهند، بایستی در قبال سناریوها، اقدام به طراحی راهبردهای مناسب نمود. طراحی سناریو به‌طور واضح پل و ارتباط بین تفکر در مورد آینده‌ها و اقدام راهبردی است، طراحی سناریو ترکیبی از تحلیل سناریویی و برنامه‌ریزی راهبردی است. هدف طراحی سناریو، جستجوی نظام‌مند مسیرهای جایگزین در دنیای بیرون و پیامدهای آنان برای سیستم مورد مطالعه است (لیندگرن و باندن‌هولد، ۱۳۸۶: ۱۸۸) و در طی آن پیامدها تحلیل و راهبردهای پاسخ‌دهی تعریف و توسعه داده می‌شود. براینسون (۲۰۱۱) بیان می‌دارد که راهبرد در رابطه با مسائل راهبردی، شناخته شده و تدوین می‌شود و برای پاسخ دادن به هر مسأله‌ای راهبردی، می‌تواند به کار آید.

همان‌گونه که در گام پایش توضیح داده شد، پایش شاخص‌های فرهنگی و وضعیت‌سنجی آنها، انحراف از وضعیت مناسب را هشدار داده و مسائل فرهنگی را آشکار می‌سازد. به منظور سیاستگذاری فرهنگی تحلیل مسائل فرهنگی با توجه به سطوح و عناصر فرهنگ و بافتار (ابعاد جامعه) و جامعه هدف با روش CLA و حرکت در لایه‌های آن به ایجاد درک عمیق از لایه‌های زیرین مسائل، مشکلات و طراحی سیاست‌های مؤثرتر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر حائز اهمیت است. از این روی قبل از اتخاذ سیاست‌های فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی، تحلیل لایه‌های علت‌ها و مسائل فرهنگی شناسایی، ارزیابی و تحلیل مسائل و مسأله شناسی و اولویت‌گذاری مسائل فرهنگی ضرورت دارد.

لازم به ذکر است سیاست پژوهی و بهره‌گیری از اطلاعات حاصل از آمایش فرهنگی با توجه به اهداف دیده‌بانی فرهنگی و گروه هدف و مخاطبان سیاست‌های فرهنگی، در اولویت‌گذاری مسائل فرهنگی و طراحی سیاست‌های فرهنگی مناسب در قبال موضوعات نوآیند فرهنگی، سناریوهای فرهنگی و مسائل فرهنگی، مفید فایده می‌باشد. از دیگر موضوعات مهم دیگر در پیشنهاد راهبردها و سیاست‌های فرهنگی،

درگیرکردن ذینفعان به‌ویژه تعامل با تصمیم‌گیران و سیاستگذاران در فرآیند دیده‌بانی می‌باشد، که در وضع سیاست‌های مناسب و همچنین پشتیبانی از اجرای سیاست‌ها مؤثر خواهد بود.

### گام هفتم: بازخورد و مراقبت‌های بعدی

در فرآیند دیده‌بانی فرهنگی، امکان پدید آمدن نشانه‌های جدید تغییر و همچنین احتمال نیاز به اطلاعات جدید وجود دارد. نشانه‌های جدید تغییر ممکن است نیازمند تفسیر و استنباط مجدد بوده و منجر به تغییراتی در محصولات پوشش و به‌طور مثال بازبینی موضوعات نوآیند یا توصیف موضوعات نوآیند جدید، شوند. همچنین به منظور تأمین نیازهای اطلاعاتی جدید که می‌تواند در گام ششم دیده‌بانی فرهنگی حادث می‌شود کاوش مستمر منابع پوشش و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و داده‌های جدید اهمیت دارد. تدوین گزارش‌های دیده‌بانی یکی از فعالیت‌های کلیدی به منظور احصاء خال‌های اطلاعاتی و همچنین ارائه اطلاعات مناسب برای گام ششم و دستور کار سیاستی می‌باشد. به‌طور کلی مجموعه فرآیند دیده‌بانی و مشارکت ذینفعان متنوع در فرایند، منجر به یادگیری و بینش آینده‌محور شده و آمادگی در برابر تغییر و جلوگیری از غافل‌گیری را نوید می‌دهد. مجموعه فعالیت‌های فوق تحت در فرآیند «بازخورد و مراقب‌های بعدی» انجام می‌گیرد؛ تعامل با تصمیم‌گیران و ارتباطات در راستای استفاده از محصولات دیده‌بانی، تدوین گزارش‌ها درباره موضوعات مورد علاقه و حائز اهمیت با توصیه‌هایی برای دستور کار سیاستی، علمی و استراتژیک، اقدامات مهم گام بازخورد و مراقبت‌های بعدی می‌باشند (ون‌ریج، ۲۰۰۸: ۴).

### نتیجه‌گیری

فرهنگ را مغز پیکر و ارگان‌بسم جامعه خوانده‌اند که بدون اجزای دیگر هویت مشخصی ندارد؛ اما در کنار آنها، نقش جهت‌دهنده و فرماندار را دارد. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران آینده به جوامعی تعلق خواهد داشت که قادر باشند یگانه گهر تجدیدپذیر آینده یعنی فرهنگ را، دیده‌بانی کنند. فقر دیده‌بانی فرهنگی ممکن است آسیب‌هایی را به پیکره جامعه وارد سازد.

فرهنگ از جایگاه بالایی در نظام جمهوری اسلامی برخوردار است و با توجه به آنکه انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی و مبتنی بر عناصر و ویژگی‌های ارزشی و دینی می‌باشد. بالتبع فرهنگ به‌عنوان یک عرصه مهم بعد از انقلاب مورد توجه قرار گرفت؛ در جمهوری اسلامی ایران، مقوله فرهنگ به‌عنوان اساس تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان، بسیار مهم و حیاتی تلقی شده و اساساً مهم‌ترین آرمان‌ها و منویات انقلاب اسلامی، احیاء و تقویت عناصر فرهنگی اسلامی بوده است.

در شرایط امروزی جهانی و با موقعیت خاص جمهوری اسلامی ایران، از الزامات تداوم و حیات انقلاب اسلامی و حضور تأثیرگذار، زاینده و الهام‌بخش این انقلاب، مراقبت از بُعد فرهنگی انقلاب اسلامی ایران است. چراکه اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت

را حفظ کند (آیت الله خامنه‌ای، بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸). با توجه به اهمیت فرهنگ جامعه و اینکه اگر فرهنگ را هدایت و از آن حراست و حفاظت نکنیم عوامل گوناگون بر فرهنگ تأثیر می‌گذارند (آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۱۰/۰۸)، لذا دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران اهمیتی فزاینده می‌یابد.

علی‌رغم تأکیدات و دغدغه‌های موجود در خصوص مقوله فرهنگ، فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده در این خصوص رویکردی از جنس واکنش داشته‌اند و فرآیند انجام دیده‌بانی فرهنگی با رویکرد فعال و آینده‌پژوهانه چندان مورد عنایت قرار نگرفته است. فقدان فرآیند مدون برای دیده‌بانی فرهنگی و کم‌رنگ بودن نگاه آینده‌پژوهانه در فعالیت‌های رصد فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، منجر به غفلت، اقدام پس از وقوع یا واکنشی در خصوص عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده فرهنگی می‌شود که می‌تواند از اثربخشی سیاست‌های فرهنگی بکاهد و مراقبت از فرهنگ اسلامی‌ایرانی را با چالش مواجه کند.

ضرورت مراقبت از فرهنگ، کم‌رنگ بودن نگاه آینده‌پژوهانه در خصوص رصد فرهنگی و عدم وجود فرآیندی مدون برای انجام دیده‌بانی فرهنگی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و از طرفی رو به توسعه بودن تأسیس مراکز و نهادهای دیده‌بانی فرهنگی در کشور ایجاب می‌کند تا توجه جدی‌تری به فعالیت روش‌مند برای شناسایی عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده فرهنگی - جهت آمادگی و مواجهه مؤثر با فرصت‌ها یا تهدیدهای بالقوه فرهنگی - مبذول شود؛ چارچوب فرآیندی تشریح شده در این پژوهش (شکل ۲ و جدول ۲) پشتوانه‌ای برای انجام فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی در کشور در عرصه عمل می‌باشد که با کاربست مفاهیم آینده‌پژوهی و ایجاد بستری برای انجام دیده‌بانی فرهنگی می‌تواند نگاه آینده‌پژوهانه را در فعالیت‌های دیده‌بانی نهادهای متولی امر فرهنگ جاری سازد.

دیده‌بانی و شناسایی عوامل بازدارنده یا پیش‌برنده یکی از ورودی‌های آینده‌نگاری و از دیدگاه برخی صاحب‌نظران به‌عنوان بخشی از یک فرآیند آینده‌نگاری جامع به حساب می‌آید. کاربست چارچوب فرآیندی ارائه شده در این تحقیق توسط دستگاه‌های متولی امر فرهنگ کشور می‌تواند به آینده‌نگاری فرهنگی و به تبع آن سیاست‌گذاری بهنگام فرهنگی، کمک نماید؛ دیده‌بانی فرهنگی فرآیندی نظام‌مند برای پشتیبانی از سیاست‌گذاری فرهنگی و آینده‌نگاری فرهنگی است که بر نشانه‌های تحولات تأثیرگذار بر فرهنگ در محیط‌های مختلف - با توجه به تأثیر و تأثر حوزه فرهنگ با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی - در سطوح و ابعاد مختلف آن تمرکز دارد. «پویش» فرهنگی به منظور حصول تصویری از موضوعات نوآیند و «پایش» مؤلفه‌های فرهنگی به منظور وضعیت‌سنجی فرهنگ از عناصر کلیدی دیده‌بانی فرهنگی می‌باشد. می‌توان گفت کارکرد اصلی دیده‌بانی فرهنگی، پشتیبانی از سیاست‌گذاری و آینده‌نگاری فرهنگی است.





شکل ۲: گام‌های دیده‌بانی فرهنگی

جدول ۲: گام‌ها و فرآیندهای دیده‌بانی فرهنگی

ردیف	گام	فرایندها
۱	سازماندهی و آماده‌سازی	۱ اتخاذ تصمیمات و فعالیتهای آغازین
		۲ ایجاد شبکه دیده‌بانی فرهنگی
۲	پویش اکتشافی نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی	۱ کاوش منابع پویش، جمع‌آوری و مستندسازی نشانه‌های مهم تغییر در محیط‌های مختلف پویش
		۲ ایجاد پایگاه‌داده نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی
		۳ دسته‌بندی نشانه‌های مهم تحولات فرهنگی
۳	تفسیر نشانه‌ها و تشخیص مؤلفه‌های کلیدی دیده‌بانی فرهنگی	۱ تلفیق و خوشه‌بندی نشانک‌ها
		۲ تحلیل روندهای فرهنگی
		۳ تحلیل پیش‌ران‌های فرهنگی
		۴ شناسایی اعوجاج‌ها و شگفتی‌سازها
		۵ شناسایی مسائل فرهنگی
۴	استنباط و ارائه محصولات پویش	۱ تجزیه و تحلیل تعاملات و روابط مؤلفه‌های دیده‌بانی فرهنگی
		۲ توصیف موضوعات نوآیند فرهنگی
		۳ معناسازی موضوعات نوآیند (اجتماعی کردن یافته‌ها)
		۴ تحلیل چرخ آینده‌ها و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی
		۵ شناسایی عدم قطعیت‌ها
		۶ طراحی سناریوها
۵	پایش فرهنگی	۱ پایش نشانک‌های ثانویه موضوعات نوآیند فرهنگی (موضوع محور)
		۲ پایش شاخص‌های راهنما
		۳ پایش شاخص‌های فرهنگی
۶	پشتیبانی از راهبرددنگاری و سیاستگذاری فرهنگی	۱ راهبرد نگاری فرهنگی (در قبال سناریوها)
		۲ پیشنهاد سیاست‌های فرهنگی و اقدامات پیش‌دستانه (در قبال موضوعات بازدارنده یا پیش‌برنده فرهنگی)
		۳ تحلیل لایه‌ای علت‌ها و مسأله شناسی فرهنگی (در قبال شاخص‌های فرهنگی)
		۴ سیاستگذاری فرهنگی (برای حل مسأله)
۷	بازخورد	۱ بازخورد و مراقبت‌های بعدی

## منابع

- اکبریان، اکرم و ایرانپور، سارا (۱۳۹۴)، «آینده پژوهی فرهنگی»، پژوهشگاه شاخص پژوه، انتشارات دارخوین.
- بی‌نام (۱۳۸۸)، *رصد فرهنگی ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و جریان‌ها*، مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: عصر کتاب.
- بی‌نام (۱۳۸۹)، *واژه‌های آینده‌پژوهی*، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۳: ۱۲۷-۱۵۳.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۲)، *زمینه فرهنگ شناسی*، انتشارات عطار.
- زارع، بیژن؛ آوزرمانی، حمید و صفایی‌ثبات، حمیده (۱۳۹۳)، «چالش‌های فرهنگی کشور طی ده سال آینده»، فصلنامه فرهنگی اجتماعی فرهنگ عمومی، ۸۴-۸۶.
- شیوه نامه رصد فرهنگی کشور (۱۳۸۴)، مصوبه جلسه ۵۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰)، *تطور مفهومی رصد فرهنگی*، تهران: انتشارات راه دان.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴)، «پدیده‌های نوظهور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نقش آنها در پیشرفت ایران»، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران، گذشته، حال، آینده. ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۵)، «غلبه مسئله فرهنگی بر مسئله اجتماعی در جهانی شدن»، دسترسی در: <http://www.sooremehr.ir/fa/content>
- کشاورز ترک، عین الله (۱۳۹۴)، «طراحی سناریوهای تهدیدات نوظهور فرهنگی انقلاب اسلامی بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۴، شمار ۱۵: ۱-۱۹.
- کی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۸۵)، «رصد فرهنگی مقدمه مهندسی فرهنگی است»، مهندسی فرهنگی، شماره ۳: ۳-۶.
- ۹.
- لشکربلوکی، مجتبی (۱۳۹۱)، «طراحی مدل فرایندی استراتژی پابرجا در شرایط عدم قطعیت با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، رساله دکترای مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- لیندگرن، متس و باندهلد، هانس (۱۳۸۶)، *طراحی سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه تاتاری، ع. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- مقتدایی، عباس (۱۳۸۷)، «فرهنگ و رصد فرهنگی؛ پیشنهاد طرح اجرایی رصد فرهنگی در اصفهان»، فرهنگ اصفهان، شماره‌های ۴۱ و ۴۲: ۵-۱۶.
- ملکی فر، عقیل (۱۳۸۶)، *الفبای آینده پژوهی*، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف).
- مولایی، محمدمهدی، طالبیان، حامد و مولایی، زینب (۱۳۹۴)، «ارائه چارچوب دسته‌بندی موضوعی برای دیده‌بانی ملی و پوشش محیط کلان ایران»، اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی پایدار ایران، تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر ارونند.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲)، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نگاهداری، بابک (۱۳۸۴)، «مسأله شناسی در فرایند مدیریت فرهنگی»، دسترسی در:

<http://farhangi.aqr.ir/portal/>

- نگاهداری، بابک. (۱۳۸۵) «رصد فرهنگی؛ ابعاد و راهکارها»، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۰، شماره ۵۷، صص ۸۷-۷۶.
- الوانی، مهدی و شریفزاده، فتاح (۱۳۹۴)، *فرآیند خط مشی‌گذاری عمومی*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Amanatidou, E., Butter, M., Carabias, V., Konnola, T., Leis, M., Saritas, O., Schaper-Rinke, P., van Rij, V. (2012), "On Concepts and Methods in Horizon Scanning: Lessons from Initiating Policy Dialogues on Emerging Issues", *Science and Public Policy*, 39: 208–221.
- Amanatidou, E., Butter, M., Carabias, V., Konnola, T., Leis, M., Saritas, O., Schaper-Rinke, P., van Rij, V. (2011), "On Concepts and Methods in Horizon Scanning: Lessons from Initiating Policy Dialogues on Emerging Issues", *Fourth International Seville Conference on Future-Oriented Technology Analysis (FTA) FTA and Grand Societal Challenges – Shaping and Driving Structural and Systemic Transformations, SEVILLE, 12-13 MAY*.
- Bell, W. (2003), "Foundations of Futures Studies" (2<sup>th</sup> ed). New Jersey: Transaction Publishers.
- Bengston, D. N., (2013), "Horizon Scanning for Environmental Foresight: A Review of Issues and Approaches", U.S. Forest Service, Northern Research Station, General Technical Report NRS-121, Sep.
- Bishop, P. (2009), "Horizon Scanning, Why is it so hard?" University of Houston, September.
- Bourgon, J. & Milley, p. (2010), "the New Frontiers of Public Administration: NS6", the New Synthesis Project. Waterloo, Ontario, Canada, Public Governance International, University of Waterloo.
- Bryson, J. M. (2011), "Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining Organizational Achievement", 4<sup>rd</sup> ed., San Francisco: Jossey-Bass.
- Connery, D. (2012), "Horizon Scanning Bringing Strategic Insight to National Security Policymaking". NSC (National Security College) Working Paper Series No.1, 6 December.
- Cuhls, K., Erdmann, L., Warnke, P., Toivanen, H., Toivanen, M., van der Giessen, A. M., & Seiffert, L. (2015), *Models of horizon scanning. How to integrate horizon scanning into European research and innovation policies*.
- Eckert, C. M. & Stacey, M. K. (2010), "What Is A Process Model? Reflections on the Epistemology of Design Process Models", In Heisig, P. Clarkson, P. J. & Vajna, S. (Eds.), *Modeling and Management of Engineering Processes: 3-14*, New York: Springer.
- Gordon, A. (2008), "Future Savvy: Identifying Trends to Make Better Decisions, Manage Uncertainty, and Profit from Change", AMACOM (American Management Associate).
- Habegger, B. (2009), "Horizon Scanning in Government, Concept, Country Experiences, and Models for Switzerland". Center for Security Studies, Zurich, Switzerland.
- Hiltunen, E. (2006), "Was It a Wild Card or Just Our Blindness to Gradual Change?", *Journal of Futures Studies*, 11: 2, 61 – 74.

- Inayatullah, S. (2009), "Causal Layered Analysis: an Integrative and Transformative Theory and Method". In J. C. Gordon, *Futures Research Methodology Version 3.0, the Millennium Project*.
- Konno I., Brummer, V. & Salo, A. (2007), "Diversity in foresight: Insights from the fostering of innovation ideas", *Technological Forecasting and Social Change*, 74, 608-26.
- Kuosa, T. (2010), "Futures Signals Sense-Making Framework (FSSF): a Start-Up Tool to Analyse and Categories Weak Signals, Wild Cards, Drivers, Trends and Other Types of Information", *Futures*, 42: 42-48.
- Lavoix, H. (2012), "Horizon Scanning and Monitoring for Anticipation: Definition and Practice", <https://www.redanalysis.org/2012/06/22/horizon-scanning-and-monitoring-for-anticipation-definition-and-practice/>
- Mendonca, S., Cardoso, G. & Caraca, J. (2012), "The Strategic Strength of Weak Signal Analysis". *Futures*, 44: 3, 218-228.
- Mendonca, S., Pina e Cunha, M., Ruff, F. and Kaivo-oja, J. (2009), "Venturing into the Wilderness: Preparing for Wild in the Civil Aircraft and Asset-Management Industries", *Long Range Planning*, 42: 23-41.
- Miles, L., & Saritas, O. (2012), "The Depth of the Horizon: Searching, Scanning and Widening Horizons", *Foresight*, 14, 6: 530 - 545.
- Moghaddampour, J., Setalani, F., Ghasemi, H & Eivazi, M. (2018), "Crafting decision options and alternatives for designing cultural observation system using general morphological modelling". *Decision Science Letters*, 7(4): 359-380.
- Petersen, J. & Steinmueller, K. (2009), "Wild cards", In: Glenn, J.C. & Gordon, T.J., *Futures research methodology - version 3.0* Washington, DC: The Millennium Project.
- Saritas, O. & Smith, J. E. (2011), "the Big Picture - Trends, Drivers, Wild Cards, Discontinuities and Weak Signals", *Futures*, 43: 292-312.
- Van Rij, V. (2008), *Joint Horizon Scanning: Identifying Common Strategic Choices and Questions for Knowledge*. Third International Seville Seminar on Future-Oriented Technology Analysis - Seville 16-17 October.
- Van Rij, V. (2010), "Joint Horizon Scanning: Identifying Common Strategic Choices and Questions for Knowledge", *Science and Public Policy*, 37: 7-18.
- Van Rij, V. (2011), "Wild cards as future shakers and shapers", *The 4th International Seville Conference on Future-Oriented Technology Analysis (FTA)*: 12 & 13 May.
- Van Rij, V. (2012), "New Emerging Issues and Wild Cards as Future Shakers and Shapers", Part of the *Complex Networks and Dynamic Systems* book series (CNDS, volume 1), *Recent Developments in Foresight Methodologies*: 67-89.; [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4614-5215-7\\_5](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4614-5215-7_5).